

شاید گران شدن بنزین در سال جاری به چه میزان جدی است؟ آیا با توجه به شرایط اقتصادی واجتماعی کشور دولت تصمیم به گرانی بنزین خواهد گرفت؟

یک دگر گونی جدی به وجود بیامورد. در گذشته دستگاه‌های اجرایی متناسب با نرخ تورم قیمت‌های خدمات یا کالاهای خود را تغییر می دادند که افزایش قیمت بنزین نیز یکی از آنها بود. این در حالی است که در حدود چهار سال است که قیمت بنزین ثابت است در حالی که برای دومین سال پیاپی ما تورم بالای ۴۵ درصد را تجربه می کنیم. واقعیت این است که دولت از واکنش‌ها در مقابل افزایش قیمت حامل‌های انرژی و به ویژه بنزین نگران است و بر این باور است که اگر قیمت بنزین با حامل‌های انرژی به صورت کلی افزایش پیدا کند این موضوع روی قیمت کالاهای دیگر نیز تأثیر بگذارد. این در حالی است که هیچ مبنای علمی وجود ندارد که چنین چیزی را اثبات کند.به عنوان مثال در چهار سال گذشته قیمت بنزین ثابت مانده بود اما تورم در کشور روزبه روز افزایش پیدا کرده است. ما با تومری در کشور مواجه هستیم که در علم اقتصاد به آن تورم انتقالی گفته می شود. تورم انتقالی به معنای این است که اگر یک نفر از درآمد کافی بر خوردار نباشد برای اینکه به درآمد مطلوب برسد دست در جیب نفر یا بخش دیگری می کند. در نتیجه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی برای دولت یک «باید» است که پیامدهای آن را نیز باید مدیریت کند.

آیا دولت به این سمت حرکت می کند که قیمت حامل های انرژی را افزایش بدهد و پیامدهای آن را بپذیرد؟ هنگامی که السیسی رئیس جمهور مصر شد اعلام کرد که در دولت وی هیچ گونه یارانه‌ای به حامل‌های انرژی تعلق نخواهد گرفت. وی همچنین این قول را به مردم داد که کانال سوئز را توسعه بدهد و از طریق در آمد حاصل از رفتوآمد کشتی‌ها در کانال سوئز در آمدی دو برابر گذشته به دست بیامورد. این در حالی است که زمانی که السیسی عنوان کرد یارانه‌ای به حامل‌های انرژی پرداخت نمی کند شورش‌های مقطعی در این کشور رخ داد و چند پمپ بنزین نیز توسط شورشیان به آتش کشیده شد. با این وجود السیسی در نهایت مردم را قانع کرد که این تغییر را بپذیرند. در شرایط کنونی دولت رئیسی به دلیل تحریم نفت و خام فروشی نفت نمی تواند درآمدهای کافی داشته باشد. این در حالی است که در بودجه سال آینده مبالغی به صورت ارزی پیش بینی شده که صرف واردات بنزین و گازوئیل خواهد شد. بر اساس اطلاعاتی که بنده دارم قرار گاه خاتم الاتبیا که مجری طرح ستاره خلیج فارس است به دلیل تحریم ها هنوز نتوانسته فاز چهار که از ظرفیت بالایی نیز برخوردار است را به بهره برداری کامل برساند. میانگین مصرف بنزین در ایران در روز در حدود ۱۰۰ میلیون لیتر است و حتی در تعطیلات نوروز نیز ما مشاهده کردیم که این رقم به ۱۲۷ میلیون لیتر در روز نیز رسید. من معتقدم دولت آقای رئیسی به تغییرات اساسی نیاز دارد. آقای رئیسی فردی را به عنوان وزیر نفت انتخاب کرده که ایشان سیاست‌هایی را انتخاب کرده که در صورت اجرا پایانی خواهد بود بر خام فروشی نفت و جایگزینی آن فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی را دنبال می کند. در طول ۱۶ سال وزارت آقای زنگنه بزرگترین ضرربه‌ها به صنعت نفت وارد شد به عنوان مثال وی با ساخت پالایشگاه و صنایع پایین دستی نفت مخالف بود. دولت چاره‌ای ندارد که قیمت یارانه‌ای حامل‌های انرژی را متناسب با نرخ تورم در جامعه تغییر بدهد.

آیا شرایط این اجازه را به دولت می دهد؟

اگر آقای رئیسی می‌نماید السیسی رئیس جمهور مصر عمل کند شرایط اجتماعی

نیز این اجازه را به دولت برای این تغییر می‌دهد. راهکاری که بتواند تورم را کنترل کند و از چاپ اسکناس، افزایش پایه پولی و نقدینگی که منشأ اصلی تورم به شمار می‌روند جلوگیری کند این است که قیمت بنزین اصلاح شود و به جای اینکه بنزین تقریباً به صورت رایگان در اختیار مردم قرار بگیرد قیمت آن شامل یارانه نخواهد بود و متناسب با تورم در جامعه تغییر کند. در شرایط کنونی قیمتی که مردم برای قیمت بنزین حتی آزاد پرداخت می کنند هزینه‌های حمل آن را نیز تأمین نمی کند.

اغلب نمایندگان و کارشناسان نسبت به افزایش تورم در سال آینده هشدار می دهند. در چنین شرایطی آیا تغییر قیمت حامل‌های انرژی نمی تواند روی افزایش تورم تأثیر بگذارد و کشور را با تورم افسارگسیخته مواجه کند؟

ریشه تورم در ایران عواملی هستند که به آنها اشاره کردم. علاوه بر آن کسر بودجه سنگین دولت هاست که بخش عمده این مسأله به قیمت حامل‌های انرژی بازمی گردد. اتفاقی که می تواند رخ بدهد این است که آقای رئیسی برای مردم مشخص کند که با افزایش قیمت حامل‌های انرژی چه اقداماتی قرار است انجام شود. در مرحله نخست این موضوع باعث خواهد شد که دولت اسکناس بدون پشتوانه چاپ نکند که این موضوع روی نرخ تورم تأثیرگذار است. این پول نیز نباید به صورت مستقیم به خزانه واریز شود بلکه باید به یک حساب خاص واریز شود که بتواند به تولید و اشتغال کمک کند. به عنوان مثال رئیس جمهور عنوان کند به ازای پولی که بابت اصلاح حامل‌های انرژی حاصل شده است برای مردم خانه و آژادراه می سازیم. این در حالی است که ساخت آژادراه‌ها باعث می شود مصرف بنزین نیز در کشور کاهش پیدا کند.

دولت عنوان کرده بود در طول چهار سال چهار میلیون خانه در کشور می سازد. این در حالی است که این وعده هنوز محقق نشده است. اگر دولت در زمینه افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز چنین وعده‌هایی به مردم بدهد و عمل نکند چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

اگر دولت دست به چنین کاری بزند و به مردم وعده بدهد اما به وعده‌ها عمل نکند وارد یک دور باطل خواهد شد که این دور باطل پیامدهایی نیز برای کشور خواهد داشت. من فکر می کنم دولت آقای رئیسی دست به یک ریسک زده است. این ریسک این است که برای تأمین درآمدهای خود بخش تولید را هدف گرفته است. قیمت گاز طبیعی در ایران سه برابر میانگین خلیج فارس شده و با افزایش قیمت انرژی هزینه تولید هر تن فولاد خام در ایران از ۹/۲ درصد به بیش از ۲۵ درصد رسیده است که

پیامدهای آن افزایش قیمت در بازار داخلی و عدم امکان رقابت در بازارهای جهانی است. تصمیم کارشناسی نشده دیگری گرفته شده در مورد ارز حاصل از صادرات(عمدتا پتروشیمی و فولاد) که توانستند بخش بزرگی از دشواری‌های ناشی از کاهش صادرات

راهپیمایی روز قدس با حضور مردم در همه نقاط ایران برگزار شد

«فلسطین محور وحدت جهان اسلام؛ قدس در آستانه آزادی»



راهپیمایی کردند». درباره حضور مقامات و مردم ایران در راهپیمایی روز جهانی قدس نوشت: مقامات ارشد، از جمله رئیس جمهور رئیسی در راهپیمایی اصلی در پایتخت شرکت کردند که در بحبوحه خشونت مرگبار در اسرائیل و هشدار جنگی محتمل با ایران برگزار شد. خبرگزاری فرانسه با اشاره به حضور مقامات و مردم ایران در راهپیمایی روز قدس، نوشت: هزاران نفر از ایرانی‌های روز جمعه در سراسر کشور برای گرامیداشت روز قدس و برای نشان دادن همبستگی با فلسطینی‌ها به خیابان‌ها آمدند.

قطعنامه پایانی روز قدس

شرکت کنندگان در راهپیمایی سراسری یوم... روز جهانی قدس سال ۱۴۰۲ با قرائت قطعنامه‌ای در ۷ بند مواضع خود را اعلام کردند. در متن قطعنامه راهپیمایی سراسری انتفاضه و روز جهانی قدس سال ۱۴۰۲ آمده است: «۱. ما

نفت خام را جبران کنند.دولت و مجلس شرکت‌های صادرکننده را مجبور کردند که ارز ناشی از صادرات را بر پایه نرخ‌ی که مبنای علمی تعیین آن مشخص نیست در سامانه نیما یعنی دلار ۲۸۵۰۰ تومانی عرضه کند که این امر با توجه به فاصله بالای نرخ برابری ریال در بازار آزاد و سامانه نیما موجب می‌شود تا صادرات غیراقتصادی، کاهش سود شرکت‌ها، سقوط قیمت سهام در بورس و زمین‌ساز رانت خواهد شد. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد وضعیت منطقه خاورمیانه است. اینکه آیا وضعیت کشورهای این منطقه همچنان در حالت تنش باقی خواهد ماند و یا حرکت‌های اصلاحی در این زمینه صورت خواهد گرفت. جریان‌هایی در خاور میانه وجود دارند که تمایل ندارند حرکت‌های اصلاحی در منطقه رخ بدهد و همچنان به دنبال تنش آفرینی هستند.

آیا توافق ایران و عربستان و از سرگیری روابط این دو کشور نمی تواند آغازی بر کاهش تنش‌ها در منطقه خاور میانه باشد؟

واقعیت این است که عربستان ظرفیت سرمایه‌گذاری‌های گسترده را ندارد. جمعیت این کشور نیز کم است. این وضعیت درباره دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز وجود دارد. این در حالی است که عربستان دارای منابع مادی هنگفتی است. به تازگی ارزش سهام شرکت ۱۲آرامکو این کشور که در بورس عرضه شد دو تریلیون دلار بود. با این وجود شرایط عربستان به شکلی است که نمی تواند مانند ایران سرمایه گذاری‌های گسترده‌ای انجام بدهد. در عین حال عربستان رقیب سیاسی ایران در منطقه نیز به شمار می‌رود. بهتر این بود که آقای شمخانی که با عربستان مذاکره کرد با خود چند اقتصاددان می‌برد که شرایطی را به وجود بیاموردند که عربستان مانند آنچه در چین و کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند در ایران نیز این اتفاق رخ بدهد. هر چند اگر عربستان چنین اراده‌ای نیز داشته باشد به دلیل اینکه ایران افای تی اف را نپذیرفته، در حالت تحریم است شرایط برای سرمایه‌گذاری کلان در ایران وجود ندارد. این وضعیت درباره کشورهایمانند چین و هند که در گذشته به دنبال سرمایه‌گذاری در ایران بوده‌اند نیز وجود دارد. از سوی دیگر برجام نیز معلق است. به همین دلیل تا زمانی که ایران روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای مختلف و صاحب تکنولوژی برقرار نکند تغییری در شرایط فعلی اقتصادی به وجود نخواهد آمد.

با توجه به شرایط موجود چه چشم‌انداز اقتصادی برای سال جاری کشور متصور هستید؟

اگر آقای رئیسی قصد دارند در وضعیت اقتصادی کشور تغییر ایجاد کنند در مرحله نخست باید تیم اقتصادی خود را ترمیم کنند و از کسانی استفاده کنند که از توانایی و انگیزه کافی برای مدیریت شرایط کنونی اقتصاد کشور برخوردار باشند. از سوی دیگر باید در برخی سیاست گذاری‌های اقتصادی تغییر و تحول جدی به وجود بیاید. این تغییر و بین‌المللی دارد. اینکه ما نفت را به صورت خام بفروشیم و با آن بکنیم، روغن نباتی خام و سایر کالاهای اساسی را وارد کنیم تا باید نمی‌تواند ادامه پیدا کند. تا زمانی که این اتفاقات در کشور رخ ندهند نمی‌توان نسبت به تغییر وضعیت اقتصادی مردم و حل چالش‌های اقتصادی خوشبین بود. واقعیت این است که اقتصاد ما نیازمند یک جراحی عمیق و یک دگرگونی بزرگ است. این جراحی بزرگ دردهم دارد و باید بپذیریم که جراحی بدون درد امکان پذیر نیست. از سوی دیگر جراحی نیاز به جراح حاذق و توانمند دارد.

نگره

فرضیه نقشه احتمالی آمریکابرای وارد کردن تهران وپکن به میدان جنگ

روسیه از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰) درگیر جنگی فرسایشی با اوکراین شده است. طی یک سال گذشته امکان وقوع درگیری نظامی، در قالب حمله چین به تایوان به اوج رسیده و طی چند روز گذشته شاهد برگزاری مأموری از سوی پکن هستیم که در آن حمله و محاصره تایوان شبیه‌سازی شده است. در ۸ ماه گذشته نیز به شکلی بی‌سابقه تنش‌های میان جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران به اوج رسیده است. جنگ طلبی‌های الهام علی‌اف و دیگر دولتمردان باکو علیه ایران، ناظران را به این باور رسانده که ادامه وضعیت کنونی فضا را به سوی وقوع جنگ میان دو کشور پیش می‌برد. روند مذکور طی چند وقت اخیر بای فرضیه‌ای بحث‌برانگیز را به محافل رسانه‌ای و ناظران سیاسی باز کرده است. فرضیه‌ای بر این مبنای که سناریویی مشابه با وارد کردن روسیه تحت فرمان ولادیمیر پوتین به جنگ اوکراین، برای کشورهای ایران و چین نیز در حال پی‌ریزی است. برای چنین‌هایمیدان تایوان برگزیده شده و برای ایران میدان جمهوری آذربایجان.

چرا روسیه، چین و ایران؟

روسیه، چین و ایران سه کشوری هستند که در صحنه معادلات بین‌المللی به عنوان بازیگران ناسازگار با ایالات متحده آمریکا و شاید با اندکی تسامح کلیت مجموعه غرب شناخته می‌شوند. استدلال فرضیه سناریوسازی برای تکرار داستان اوکراین برای چین و ایران، این است که استراتژیست‌های آمریکایی این سه بازیگر را هدف گرفته‌اند. آنها معتقدند در وضعیت جدید، بر خلاف سال‌های بعد از پایان جنگ سرد (۱۹۹۱) که آمریکا در مقام بازیگر هژمون، نقش پلیس بین‌الملل را ایفا می‌کرد، جهان به سوی چند قطبی در حال حرکت است. قدرت ایالات متحده در صحنه جهانی تضعیف شده و بازیگرانی همچون چین، هند و حتی اروپا به عنوان ابر قدرتهای جدید در حال ظهور هستند. در چنین وضعیتی است که استراتژیست‌های سیاست خارجی آمریکا برای حفظ جایگاه یا در حالت حداقلی تضعیف بازیگران ناسازگار با خود در صحنه نظام بین‌الملل دست به کار شده‌اند. از دیدگاه طرفداران این فرضیه، آمریکایی‌ها با واقف بودن به تغییرات موازنه قوا در نظام جهانی بازیگران متعارض خود را هدف گرفته‌اند. آنها با تحریک و لادیمیر پوتین، روس‌ها را وارد جنگی فرسایشی کردند که تاکنون هزینه‌های بزرگی را بر آنها تحمیل کرده است. حتی برخی معتقدند که دولت بایدن از وارد کردن روسیه به میدان جنگ اوکراین، بازگشت وحدت به جبهه کشورهای حوزه آتلانتیک را هدفگیری کرده بود که در تحقق آن هم موفق بود، چرا که بعد از حمله روسیه به اوکراین، از یکسو، گرایش برخی کشورهای اروپایی برای نزدیکی و تقویت مناسبات با مسکو به پایین‌ترین سطح ممکن رسید و از سوی دیگر، اروپایی‌ها بار دیگر زیر لوای ایالات متحده آمریکا متحد شدند. در باب ایران و چین نیز برخی از ناظران سیاسی بر این باور هستند که اتاق فکرهای آمریکا سناریویی مشابه را در دستور کار قرار داده‌اند.

عنیت بخشی به سناریوی «اوکراین» برای تهران و پکن

شاید برخی‌ها بر این باور باشند که ارتباط دادن داستان تنش‌های چین با تایوان و ایران با جمهوری آذربایجان، ناشی از ذهنیت مبتنی بر «توهم توطئه» باشد. حتی برای اثبات این گزاره استدلال‌هایی قابل طرح هستند، اما باید توجه داشت که نمودهایی قابل انکا وجود دارند که در دستور کار بودن سناریوی «اوکراین» برای تهران و پکن را قابل باور می‌کنند، در سطح ابتدایی این گزاره قابل تأیید است که سیاست چالش و بحران آفرینی برای بازیگران رقیب، از دیر هنگام یکی از تاکتیک‌های ایالات متحده آمریکا بوده است. استراتژیست‌های واشنگتن از این دستورالعمل، از یک سو برای تحمیل هزینه و تضعیف رقبا بهره گرفته و از سوی دیگر، از درون بحران‌ها به عنوان ابزاری برای بارگیری و تقویت اتحاد در جبهه آتلانتیک بهره گرفته است. در ماجرای اوکراین، آمریکایی‌ها در تداعی و جا انداختن حقیقتی تحت عنوان متجاوز بودن روس‌ها موفق بودند. اکنون اگر حمله‌ای از سوی چین علیه تایوان یا از سوی ایران علیه جمهوری آذربایجان صورت بگیرد، همین گونه‌ا حقیقت‌سازی در باب تهران و پکن نیز در دستور کار خواهد بود. در ماجرای حمله به اوکراین، ظاهر امر چنان نشان می‌داد که دو نیروی نابرابر وارد تقابل با یکدیگر شده و احتمالاً روس‌ها با حمله‌ای برق‌آسا به سرعت کی‌ف‌را تسخیر می‌کنند. همین روایت نیز در باب تایوان و جمهوری آذربایجان وجود دارد. تایوان در برابر کشور چین، در ابعاد وسعت سرزمینی، جمعیت و توانمندی نظامی، قدرتی بسیار کوچک به شمار می‌رود. جمهوری آذربایجان نیز در شاخص‌هایی مشابه، بازیگری به نظر نمی‌رسد که توان مقاومت در برابر قدرت نظامی ایران را داشته باشد. در نتیجه این تصور ابتدایی وجود دارد که حمله به این کشورها و کسب پیروز کار چندان دشواری نخواهد بود.

شباهت‌ها و تفاوت‌های آذربایجان با ماجرای اوکراین
طی قریب به هشت ماه گذشته سطح تنش‌ها میان ایران و جمهوری آذربایجان به بالاترین سطح ممکن رسیده است. در ابتدای امر، تحرکات جمهوری آذربایجان برای حمله و کنترل جنوب ارمنستان که تنها تهاوتی مرزی ایران با ایران (پاروای مطرح می‌شوند، واکنش جدی تهران را به همراه داشت. بعد از چند ماه تنش لفظی و برگزاری رزمایش‌های نظامی دو طرف در نواحی مرزی رود ارس، رخداد سمارت باکو در تهران (۵ بهمن) تنش‌های میان طرفین را به بالاترین سطح ممکن رسانده است. علاوه بر تعطیلی سفارتخانه در تهران، دولتمردان باکو، طی هفته‌های اخیر به تحرکاتی همچون برگزاری رزمایش در نواحی مرزی با ایران، اخراج دیپلمات‌های ایرانی و تشدید جنگ لفظی با ایران متوسل شده است. غالب ارزیابی‌های داخلی در ایران نیز بر این اساس است که باکو تمامی خط قرمزها را رد کرده، لذا ایران باید با طابعی در برابر اراده علی ایستادی کند. بسیاری از ناظران سیاسی نیز بر این باور هستند که تحرکات و اظهارات دیپلماتی علی‌اف و دیگر دولتمردان باکو متاثر از تحریک‌های پشت‌پرده اسرائیل و ترکیه است. فراتر از تل‌او یو و انکارا، به نظر می‌رسد باید کانون توجهات را به سوی واشنگتن معطوف کرد. جایی که شاید با تلاقی همانند آنچه استراتژیست‌ها آمریکایی برای روس‌ها طراحی کردند اینکه ایران به عنوان نیروی پیش‌دست در حمله شناخته شود، شاید همان رخدادی باشد که ماجرای روس‌ها در اوکراین را نیز برای ما تکرار کند.